

سنت‌های فراموش شده ماه رمضان در تهران قدیم

۴ اسفند ۱۴۰۴ ساعت ۱۵:۰۵

مشهور است که در تهران قدیم، روشنایی معابر تنها تا ۲ ساعت پس از غروب آفتاب ادامه داشت و پس از آن، با نواختن گزمه‌های حکومتی بر طبل‌هایشان، شهر نیز در کام خاموشی فرومی‌رفت.

آداب و رسوم؛ شاید هیچ ماه یا موسم دیگری مثل ماه مبارک رمضان این همه تنوع آداب و رسوم و عادت‌های دوست‌داشتنی نداشته باشد

آدابی که به‌مرور زمان بخشی از آن به فراموشی تاریخ سپرده می‌شود و بخشی دیگر در طول تاریخ متولد می‌شود. مرور آداب فراموش شده این ایام می‌تواند خاطره‌انگیز باشد.

تهران، رمضان، در گذر تاریخ پایتخت

تهران زیبا و دوست‌داشتنی ما و شما، قرن‌هاست که میزبان شایسته «ماه خدا» حساب می‌شود. از همان شبی که قرار بود ماهتاب حلول ایام مبارک، آسمان تهران را روشن کند و خانواده‌ها فوج فوج با آب و آینه و سبزه راهی پشت‌بام می‌شدند تا هلال آغاز ماه رمضان را با چشم خودشان ببینند،

تا روز عید که فطریه تهرانیان چراغ خانه مستمندان را روشن نگه می‌داشت، پایتخت امروز ایران رسم و رسوم خاص خودش را در پاسداشت «شهر صیام» داشته است. آن روزها انگار که دوباره نوروز آمده باشد، زن‌ها به جارو پاروی خانه می‌پرداختند و مردها، غبار از حصار و حصیر مساجد برمی‌گرفتند. پارچه‌های نو از صندوقچه‌ها بیرون می‌آمد و آدم‌ها در عزیزداشت ماه خدا، جامه تازه به تن می‌کردند. تهران قدیم، غوغا می‌شد، وقتی نفس رمضان را می‌شنید...

شب‌های روشن تهران

مشهور است که در تهران قدیم، روشنایی معابر تنها تا ۲ ساعت پس از غروب آفتاب ادامه داشت و پس از آن، با نواختن گزمه‌های حکومتی بر طبل‌هایشان، شهر نیز در کام خاموشی فرومی‌رفت. به میمنت از راه رسیدن رمضان اما، نه تنها عبور و مرور بعد از غروب آفتاب قطع نمی‌شد و تا طلوع صبح ادامه می‌یافت، که شهر نیز تا سپیده‌دم روشن می‌ماند و تاریکی را جواب می‌کرد.

در آن زمان و تا سال ۱۲۹۷ خورشیدی، چراغ‌های نفتی روشنایی شب‌های رمضان را فراهم می‌کرد، اما از آن تاریخ به بعد -مقارن با دوران شاه ناصری- به مدد کارخانه میرزا حسین خان قزوینی، تهران روشنایی‌اش را از «گاز» به‌دست آورد. این رویه ادامه داشت تا زمان مظفرالدین شاه که ۴۰۰ کیلووات برق تولیدی حسین آقا امین‌الضراب، پای اختراع مرحوم ادیسون را هم به پایتخت قاچار

باز کرد! هرچه بود اما، تهران در تک تک شب‌های رمضان روشن می‌ماند تا قدم میهمان پرمهرش را گرامی بدارد.

«گل خندانی»، فرصتی برای رفع کدورت‌ها

اما تهرانیان قدیم بر این باور بودند که با دلی مملو از کینه و کدورت نمی‌شود گام به اقلیم رمضان گذاشت. چنین بود که غبارروبی از دل و رفع اختلاف با نزدیکان در زمره آیین‌های استقبال از ماه مبارک قرار می‌گرفت. به این مجالس آشتی‌کنان که به همت بزرگان برگزار می‌شد، «گل خندانی» می‌گفتند.

تمیز کردن دل، همگام با تمیز کردن خانه و جامه، آدم‌های این شهر را برای فرارسیدن رمضان آماده کرد. آخرین مرحله استقبال تهران قدیم هم مثل خیلی جاهای دیگر، به پیشواز رفتن بود؛ اهالی پایتخت قاجار نیز ۲، ۳ روز مانده به آغاز ماه مبارک روزه می‌ساختند تا مراسم استقبال را به نحو احسن انجام داده باشند.

از دیگر رسم و آیین‌های جالب مردم تهران نیز در ماه مبارک رمضان، یکی اعلام سحر و افطار با توپ بود؛ چنان که در هر گوشه شهر ۲ توپ جنگی کار گذاشته می‌شد که این توپ‌ها را هنگام سحر و اذان مغرب، ۳ بار شلیک می‌کردند و اوقات شرعی را بدین ترتیب برای مردم اعلام می‌کردند. ضمن آن که زمانی نیز رسم بر این بوده که خانه‌ها و مغازه‌ها به ویژه آنان که در جایگاه مرتفع و بلندتری بودند، یکی، دو ساعت مانده به اذان صبح، جلو در، یک چراغ نفتی آویزان کنند تا مردم با دیدن آن‌ها، بساط سفره سحری را بچینند.

کسب و کار، حلال حلال!

رمضان اما، تاثیر خودش را روی کسب و کار مردم نیز می‌گذاشت. اگرچه برخی از صنوف در ارتباط با شکم در این ماه تعطیل و یا کم‌کار می‌شدند، اما در عوض حمام‌ها، قهوه‌خانه‌ها، زورخانه‌ها و شیرفروشی‌ها به رونق می‌افتادند. رمضان که از راه می‌رسید، کم‌فروش‌ها سنگ‌های قلبی‌شان را به انبار می‌بردند تا سنگ وزنه‌های دقیق را برای معامله با مردم مورد استفاده قرار دهند. نان شیرمال‌ها دوباره پرروغن و چرب پخته می‌شدند و تافتون و شیر به قیمت عادلانه عرضه می‌شد. در عین حال که کسبه هم می‌کوشیدند تادوشادوش مردم در این ماه عزیز تزکیه نفس کنند، دستفروش‌ها نیز بساط‌شان را در گوشه‌گوشه شهر پهن می‌کردند. پارچه، ظروف مسی و لوازم آشپزخانه، از عمده‌ترین وسایلی بود که این دستفروشان فصلی عرضه می‌کردند و بیشتر خانم‌ها مشتری‌اش بودند. خلاصه کسب و کار تهرانی‌های قدیم در این روزها پاک‌تر و پربرکت‌تر می‌شد.

از سحری و افطار، تا پس‌افطاری و شب‌چره!

آیین‌های خورد و خوراک تهران قدیم نیز در ماه مبارک منحصر به فرد بود و حال‌وهوایی خاص داشت. مردم بیشتر در مورد سحری، قایل به خوردن برنج بودند، چون در طول روز کمتر باعث تشنگی می‌شد. هم‌چنین در کنار سحر به جای دوغ و ماست، از هندوانه و خربزه استفاده می‌کردند تا رفع عطش کنند.

در مورد افطار هم پای برخی از غذاهای اصیل تهرانی در میان بود؛ خوراکی‌هایی مثل ترلوا، شیربرنج یا پالوده سیب که بعد از اذان مغرب مورد استفاده مردم قرار می‌گرفت. چند ساعت پس از استفاده از این غذاهای سبک به عنوان افطاری، نوبت به پس‌افطاری می‌رسید که امروز «شام» خوانده می‌شود.

آبگوشت، چلوکباب و انواع خورش‌ها از مهم‌ترین پس‌افطاری‌های مورد مصرف تهرانیان قدیم محسوب می‌شدند. این اما، وعده

واپسین غذایی مردم نبود، چه این که به زودی و ساعاتی مانده به سحر، سروکله «شب چره» پیدا می شد. زولبیا، بامیه و تنقلات اقلامی بودند که خانواده ها در ساعات پایانی شب دور هم جمع می شدند و ضمن مصاحبت با یکدیگر، از این شب چره ها هم استفاده می کردند.

تعزیه؛ از بین مردم تا دیوان حکومت

تعزیه خوانی در زمره قدیمی ترین عادات تهرانیان، بعد از اسلام به شمار رفته است. این رسم دیرین در روزهای ماه مبارک هم اجرا می شد و مردم از آن استفاده می کردند. تا پایان سلطنت محمدعلی شاه، مجالس تعزیه در کوچه و بازار به اجرا درمی آمد، اما در دوران احمدشاه، دامنه این مراسمات به ساختمان تکیه آقا در حصار بوعلی شیران (جنوب نیاوران) کشیده شد تا تعزیه خاص رمضان، بعد از ظهرها تا قبل از افطار در مقابل احمدشاه و خانواده سلطنتی اجرا شود.

بساط مارگیری به راه بود!

مردم تهران در ماه مبارک برای خودشان تفریحاتی هم داشتند. در واقع از آن جا که برخی از مشاغل در این ماه تعطیل می شدند و مردم تا پاسی از شب بیدار می نشستند، صبح ها نیز به ندرت اثری از کسب و کار در شهر پیدا بود. در همین راستا، تفریحات دسته جمعی ارزشی مضاعف پیدا می کرد.

چنین بود که در روزهای ماه مبارک، حلقه های دور مارگیرها و درویش ها گسترش می یافت و مردم با دیدن کارهای آن ها یا شنیدن حرف هایشان سرگرم می شدند. هم چنین پس از افطار نیز - تا فاصله موعد شام - جوانان دسته دسته از محله ای به محله ای دیگر می رفتند تا سرگرمی های خاص خود را بیابند. در این ایام، زورخانه ها و قهوه خانه ها و البته مساجد، جزو پاتوق های مردم بود. هم چنین، پس از افطار آبتنی کردن در حوضچه حیاط، هنگامی که ماه رمضان مصادف با تابستان بود، رسم دیگری به حساب می آمد.

مراد کشون!

در تهران قدیم رسم بر این بود که شب ۲۷ ماه مبارک را شب مرگ ابن ملجم مرادی، قاتل امیرالمومنین (ع) بدانند و در آن شادی کنند. در این شب مردم عمدتاً کله پاچه تناول می کردند و آجیل مراد می خوردند.

آجیل مراد، از خرما، پسته، فندق، تخمه، نخودچی، بادام، شکر و... تشکیل می شد که مردم محتویات آنان را با درخواست های خود، از کسانی که نام فاطمه، علی و محمد داشتند می گرفتند و شب ها به عنوان شب چره، قبل از وعده سحری میل می کردند. در

روز بیست هفتم ماه مبارک هم چنین بین ۲ نماز ظهر و عصر پیراهن مراد دوخته می شد. تکه های پارچه این پیراهن را فرد حاجتمند به صورت نذر تهیه می کرد و مردم با دوختن آن ها به یکدیگر و پوشاندن بر تن او، کمک می کردند حاجتش را بخواهد.

آدرس مطلب :

<https://www.cafetari.kh.com/news/5020> قدیم-تهران-رمضان-ماه-شده-فراموش-سنتها